

● تفاوت حجاب زنان با پوشش مردان

● شرط اجابت دعا

● هاروت و ماروت

● نفس لوامه

می‌گیرند، درحالی که چون هورمون‌های جنسی زنان به صورت دوره‌ای ترشح می‌شوند و به طور متفاوت عمل می‌کنند، تأثیر محرک‌های شهوانی بر آن‌ها صورتی بسیار محدود دارد و نسبت به مردان بسیار کم‌تر است.

استاد مطهری(ره) در خصوص وجوب پوشش زنان می‌فرماید: «اما علت این که در اسلام دستور پوشش، اختصاص به زنان یافته، این است که میل به خودنمایی و خودآرایی مخصوص زنان است. از نظر تصاحب قلب‌ها و دل‌ها، مرد شکار است و زن شکارچی، هم‌چنان که از نظر تصاحب جسم و تن، زن شکار است و مرد شکارچی. میل زن به خودآرایی از حس شکارچی‌گری او ناشی می‌شود. در هیچ جای دنیا سابقه ندارد که مردان لباس‌های بدن‌نما و آرایش‌های تحریک‌کننده به کار برند. این زن است که به حکم طبیعت خاص خود می‌خواهد دلبری کند و مرد را دل‌باخته و در دام علاقه خود اسیر سازد. بنابراین انحراف تبرج و برهنگی، از انحراف‌های مخصوص زنان است و دستور پوشش هم برای آنان مقرر گردیده است.»<sup>۱</sup>

به عبارت دیگر جاذبه و کشش جنسی و زیبایی خاص زنانه و تحریک‌پذیری جنس مردانه، یکی از علت‌های این حکم است، بنابراین جذابیت مو، بدن و دیگر اندام‌ها، در مورد زن و مرد یکسان نیست و

● تفاوت حجاب زنان با پوشش مردان

□ اگر حجاب زن‌ها برای پوشش زیبایی آن‌هاست، پس چرا مردانی که با بلند کردن مو و برداشتن ابرو و ... خود را زیبا می‌کنند، نباید حجاب داشته باشند؟!

○ برای روشن شدن فلسفه حجاب زن و راز تفاوت آن با پوشش مردان، توجه به مطالب زیر لازم است:

۱- رابطه پوشش با فرهنگ دینی

براساس فرهنگ اسلامی، انسان برای رسیدن به کمال، خلق گردیده است. اسلام با تنظیم و تعدیل غرایز به ویژه غریزه جنسی و توجه به هر یک از آن‌ها در حد نیاز طبیعی، سبب شکوفایی همه استعداد‌های انسان شده و او را به سوی کمال سوق داده است. پوشش مناسب برای زن و مرد، عامل مهمی در تعدیل و تنظیم این غریزه است.

۲- ساختار فیزیولوژی انسان

نوع پوشش زن و تفاوت آن با مرد، رابطه‌ای مستقیم با تفاوت‌های جسمی و روحی زن و مرد دارد. در تحقیقات علمی، در مورد فیزیولوژی و نیز روان‌شناسی زن و مرد ثابت شده که تأثیر حس بینایی در مردان زیادتر است، به‌طوری‌که چشم از فاصله دور و میدان وسیعی قادر به دیدن است، از سوی دیگر ترشح هورمون‌ها در مرد، صورتی یکنواخت و بدون انقطاع دارد، مردان به صورتی گسترده، تحت تأثیر محرک‌های شهوانی قرار

همین‌طور تحریک‌پذیری زنان و مردان به یک صورت نمی‌باشد و این مسئله از نظر علمی نیز کاملاً پذیرفته است.

البته این بدان معنا نیست که مردان با هر وضعیتی و با هر نوع پوششی می‌توانند درون جامعه ظاهر شوند، بلکه برای آنان نیز محدودیت در نظر گرفته شده، اما همان‌گونه که بیان شد، در حد پوشش زنان نیست.



### ● شرط اجابت دعا

□ آیا شرط اجابت دعا، داشتن عمل خیر است؟

○ در کتاب‌های دینی و روایات معصومین، چنین شرطی نیافتیم، بلکه شرایط مطرح شده، همه مربوط به خود دعاست.

اگر دعا به معنای واقعی دعا باشد؛ یعنی دعاکننده از غیرخدا دل ببرد، تنها از او بخواهد و آنچه درخواست کرده، به مصلحت او باشد و با قوانین تکوین و تشریح مخالف نباشد، قطعاً دعایش مستجاب خواهد شد.

امام صادق(ع) می‌فرماید: «آداب دعا را حفظ کن و ببین چه کسی را می‌خوانی و چگونه می‌خوانی و برای چه می‌خوانی».<sup>۲</sup>

شخصی از امام صادق(ع) سؤال کرد: خدا در قرآن می‌فرماید: «دعونی استجب لکم»، ولی او را می‌خوانیم و اجابت نمی‌شود! حضرت فرمود: «آیا خدا خُلف وعده می‌کند؟!»، عرض کرد: نه، فرمود: «پس علت چیست؟» عرض کرد: نمی‌دانم. حضرت فرمود: «هر کس دستورهای الهی را اطاعت کند و او را با

شرایط و آداب دعا کند، خداوند دعایش را مستجاب می‌کند».<sup>۳</sup>

آداب مهم دعا عبارتند از:

### ۱- وضو

امام علی(ع) می‌فرماید: «هرگاه کار بزرگی از امور دنیا و دین به تو روی آورد، وضو بگیر و دست‌هایت را به سوی آسمان بلند کن.»

### ۲- نام خدا گفتن

پیامبر اکرم(ص) می‌فرماید: «دعایی که آغازش

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» باشد، هرگز رد نمی‌شود».<sup>۴</sup>

### ۳- ثنای الهی

امام صادق(ع) می‌فرماید: «در کتاب نهج‌البلاغه آمده است: «ستایش الهی و درود بر رسول خدا (ص)، باید پیش از درخواست باشد، زیرا اگر یکی از شما برای درخواست نیازی، پیش شخصی برود، آن شخص دوست دارد پیش از بیان درخواست، از او به خوبی یاد شود».<sup>۵</sup>

### ۴- صلوات فرستادن

پیامبر(ص) و اهل بیت او گل‌های سرسبد آفرینش هستند. در روایات توصیه شده که آغاز و پایان دعا با صلوات بر این بزرگواران همراه باشد، تا به یمن نام مبارکشان، دعاها اجابت شوند.

امام علی(ع) می‌فرماید: «بر محمد و آل او درود بفرستید، که خداوند بر اثر یاد محمد(ص) و پاسداشت حرمت او، دعایتان را می‌پذیرد».<sup>۶</sup>

### ۵- یقین به اجابت دعا

یکی از آداب دعا آن است که دعاکننده به اجابت آن یقین داشته باشد و با شک و تردید خدا را نخواند. امام صادق(ع) می‌فرماید: «إذا دعوت فظن ان

حاجتک بالباب؛ هرگاه دعا کردی، گمان کن که حاجتت دم در حاضر است.»<sup>۷</sup>

#### ع- عزم جدی بر دعا و درخواست

یکی دیگر از آداب دعا، توجه قلبی به آن است. امام صادق (ع) می‌فرماید: «پیامبر اکرم (ص) از خدا طلب باران کرد، باران آمد، تا جایی که گفتند غرق می‌شویم؛ اصحاب عرض کردند: ای رسول خدا! بار اول که برای ما طلب باران کردی، باران نیامد، اما دومین بار بارید، حضرت فرمود: «اولین بار که دعا کردم تصمیم جدی به آن نداشتیم، اما بار دوم درخواست مؤکد داشتیم.»<sup>۸</sup>

#### ۷- اصرار بر دعا

از بعضی روایات برمی‌آید که اصرار و پافشاری بر دعا و درخواست، افزون بر مطلوب بودن، زمینه ساز برآوردن حاجت است. امام علی (ع) می‌فرماید: «دعا سپر مؤمن است. هرگاه دری را زیاد بکوبی، برایت گشوده می‌شود.»<sup>۹</sup>

#### ۸- ذکر حاجت و نیاز

امام صادق (ع) می‌فرماید: «خداوند می‌داند که بنده‌اش چه می‌خواهد، اما دوست دارد حاجت‌ها به درگاهش شرح داده شود، پس هرگاه دعا کردی، حاجت‌های خود را نام ببر.»<sup>۱۰</sup>

#### ۹- تعمیم دعا

رسول خدا (ص) می‌فرماید: «هرگاه یکی از شما دعا می‌کند، بهتر است که همه را دعا نماید، زیرا در این صورت به اجابت نزدیک‌تر است.»<sup>۱۱</sup>

امام رضا (ع) این‌گونه دعا می‌کرد: «خدایا! در مشرق و مغرب عالم، هر مرد و زنی که ایمان دارد، او را بیامرز.»<sup>۱۲</sup>

امام سجاد (ع) در دعای ابوحمزه می‌فرماید: «خدایا! بزرگ و کوچک ما، زن و مرد، دور و نزدیک، شهر و روستایی، همه را بیامرز.»

#### ۱۰- دعا در خفا

قرآن مجید می‌فرماید: «خدای خود را با زاری و پنهانی بخوانید.»<sup>۱۳</sup> نیایش در پنهانی، اخلاص آن را بیش‌تر حفظ می‌کند، از این رو امام رضا (ع) می‌فرماید: «یک دعای پنهانی با هفتاد دعای آشکار برابر است.»<sup>۱۴</sup>

#### ۱۱- دعا برای دیگران

امام باقر (ع) می‌فرماید: «زودترین دعایی که به اجابت می‌رسد، دعای برادر دینی برای برادرش در نبود اوست. در این صورت فرشته‌ای که گماشته اوست می‌گوید: آمین، و برای تو دوچندان آن است.»<sup>۱۵</sup>

خدا به حضرت موسی (ع) وحی کرد: «مرا به زبانی که گناه نکرده باشد بخوان، موسی گفت: مرا چنین زبانی کجاست؟ فرمود: مرا به زبان غیر خود بخوان.»<sup>۱۶</sup>

#### ۱۲- گرد آمدن برای دعا

امام صادق (ع) می‌فرماید: «اگر چهل نفر برای دعا گرد هم آیند و خدا را بخوانند، خداوند دعای آن‌ها را مستجاب می‌کند. اگر چهار نفر باشند و ده بار خداوند را بخوانند، دعایشان را اجابت می‌کند و اگر یک نفر باشد که چهل مرتبه خدا را بخواند، دعایش را اجابت می‌کند.»<sup>۱۷</sup>

#### ۱۳- دعا در زمان‌ها و مکان‌های خاص

یکی از آداب دعا، استفاده از فرصت‌های مناسب است. رسول خدا (ص) می‌فرماید: «بهترین وقت برای دعا، سحر است.»<sup>۱۸</sup>

دعا زیر ناودان طلا، نزد حجرالاسود، داخل کعبه، روی صفا و مروه، در مشعرالحرام و هنگام دیدن خانه خدا توصیه شده است.<sup>۱۹</sup>

#### ۱۴- بلند کردن دست‌ها هنگام دعا

امام باقر(ع) فرمود: «بنده‌ای که دستش را به سوی خدا بلند کند و بگشاید، خدا را شرم آید که آن را تهی برگرداند. هر چه بخواهد از فضل و رحمتش در آن می‌گذارد، پس هنگامی که دعا می‌کنید، پیش از آن که دست را فرو آرید، بر سر و روی خود بکشید.»<sup>۲۰</sup>

#### ۱۵- زیاد نشمردن نیاز و حاجت

امام باقر(ع) می‌فرماید: «آن‌چه را از خدا می‌خواهید بزرگ ندانید. آن‌چه نزد خداست، از آن‌چه تصور می‌کنید بیش‌تر است.»<sup>۲۱</sup>

#### ۱۶- اظهار ناتوانی و کرنش

توصیه به اظهار عجز و زاری در دعا، به گونه‌های مختلف در روایات آمده است. امام علی(ع) می‌فرماید: «با حالت ذلت و فروتنی و ثناگویی و خشوع درخواست کنید.»<sup>۲۲</sup>

#### ۱۷- توسل به اهل بیت

یکی از آداب دعا، توسل جستن به اهل بیت است. پیامبر اکرم(ص) خطاب به امام علی(ع) می‌فرماید: «امامان از فرزندان تو هستند که به برکت آنان به امتم باران می‌رسد و دعایشان مستجاب می‌شود و بلا از آنان دفع می‌گردد.»<sup>۲۳</sup>

#### ۱۸- امید به اجابت

دعاکننده باید به فضل و رحمت خدا کاملاً امیدوار باشد و از اجابت دعایش ناامید نشود. امام علی(ع) می‌فرماید: «تاخیر در اجابت، تو را مأیوس نکند.»<sup>۲۴</sup>

#### ۱۹- دعا کردن در همه حال

امام صادق(ع) می‌فرماید: «جدم می‌فرمود: در دعا پیش‌دستی کنید [پیش از آن‌که گرفتار شوید، دعا کنید]، زیرا چون بنده‌ای بسیار دعا کند و بلایی به او برسد و به دنبالش دعا کند، گفته شود، آوازی آشناست، اما چون بسیار دعا نکند و بلایی به او رسد و دنبالش دعا کند، به او گفته می‌شود تا امروز کجا بودی؟»<sup>۲۵</sup>

#### ۲۰- گریه و تضرع

یکی از آداب مهم دعا، گریه و تضرع است. امام علی(ع) می‌فرماید: «گریه و ترس از خدا، یکی از احسان‌ها و رحمت‌های خداست. اگر دارای آن شدید، مغتنم و مفید بشمارید و دعا کنید. اگر در یک ملت و جمعیتی، کسی بگرید، خداوند بر تمام آن ملت ترحم می‌فرماید.»<sup>۲۶</sup>



#### ● هاروت و ماروت

□ هاروت و ماروت چه کسانی بودند و مأموریت آنان چه بود؟

○ درخصوص هاروت و ماروت اختلاف است، برخی نقل کرده‌اند که هاروت و ماروت، دو فرشته بودند و خداوند آن‌ها را به زمین فرستاد تا بدانند که اگر به جای انسان بودند، از گناه مصون نمی‌ماندند، بی‌تردید این نگرش جزء خرافات بوده و قرآن این دو فرشته را از هرگونه گناه مصون می‌داند. برخی نیز هاروت و ماروت را دو مرد از ساکنان بابل دانسته و فرشته بودن آن‌ها را منکر شده و حتی به‌عنوان شیطان معرفی کرده‌اند. ولی قول صحیح آن است که از فرشتگان الهی بودند، چنان‌چه قرآن بدان تصریح نموده است و از سوی خداوند مأموریت

یافتند در سرزمین بابل به ابطال سحر پردازند، زیرا در بابل، سحر و جادوگری به اوج خود رسیده بود و برخی با بهره‌گیری از سحر به آزار مردم می‌پرداختند، از این رو خداوند این دو فرشته را فرستاد که عوامل سحر و طریق ابطال آن را به مردم بیاموزند تا مردم از شر ساحران در امان باشند.<sup>۲۷</sup>

در آیه ۱۰۲ سوره بقره، هم فرشته بودن آن‌ها و هم رسالت و وظیفه آنان که ابطال سحر و یاد دادن آن به دیگران بود،<sup>۲۸</sup> بیان شده است.



#### ● نفس لوّامه

□ آیا همه انسان‌ها نفس لوّامه دارند؟ اگر همه نفس لوّامه دارند، پس چرا بعضی، گویا فاقد آن هستند؟

○ نفس انسان حقیقتی است که دارای مراتبی است و رسیدن به هر مرتبه به دست خود انسان صورت می‌گیرد. همه انسان‌ها نفس لوّامه دارند، اما عملکرد انسان آن را تقویت یا تضعیف می‌کند؛ یعنی نفس را از «لوّامگی» عبور داده و به مرتبه نفس «مطمئنّه» می‌رساند، یا چنان تنزل می‌دهد که حکم مرده پیدا می‌کند و هر خطا و گناه، یا ظلم و جنایتی را مرتکب می‌گردد، ناراحت نمی‌شود.

واژه «نفس» در قرآن با پسوندهای «امّاره، لوّامه و مطمئنّه» به کار رفته است. در برخی از آیات (سوره یوسف، آیه ۱۸ و سوره طه آیه ۹۶)، پسوند «مسوّله» را نیز به نفس اضافه کرده‌اند.

حقیقتی که در مورد «نفس» بین مفسران و دانشمندان رشته کلام، فلسفه و عرفان مشترک است، این است که: «انسان دارای یک نفس است و آن نفس دارای قوا، امیال و گرایش‌ها و نیازهای متعددی است.

از یک سو نفس انسان قوه‌ای دارد به نام عقل که ادراکات انسان و تشخیص خوب و بد به آن مربوط می‌شود و از سوی دیگر، همین نفس خواسته‌ها و گرایش‌هایی دارد؛ یکی از گرایش‌های فطری نفس، کمال‌جویی است. می‌دانیم که کمال از هر راهی به دست نمی‌آید، بلکه مسیر مشخصی دارد. حال اگر انسان در طی مسیر تکامل، اشتباه کند و بعد به کمک عقل به اشتباه خود پی‌ببرد، پشیمان می‌شود، افسوس می‌خورد و خود را ملامت می‌کند.

ملامت‌گری، وصف و حالت جدیدی است که برای «نفس» انسان حاصل می‌شود و قرآن از آن به «نفس لوّامه» تعبیر می‌کند. در اخلاق از آن به «وجدان اخلاقی» یاد می‌شود. حال اگر انسان به تشخیص عقل و فرمان وجدان خود اعتنا نکند و همواره بر خطای خود اصرار ورزد، از آن به «نفس امّاره» تعبیر می‌شود.

اگر انسان صاحب نفس کمال طلب، در ارضای خواسته‌ها و امیال درونی خود، تشخیص عقل و حکم شرع را نادیده بگیرد، نفسش در مرحله «امّاره بالسوء» است، اما اگر آن را تحت رهبری و راهنمایی نور عقل و شرع درآورد و وقتی خطایی در اثر غفلت و بی‌توجهی، از او سرزند، زود متوجه شود و پشیمان گردد، نفس در مرتبه «لوّامه» است. اگر این حالت در اثر تکرار و استمرار به صورت ملکه یا عادت و طبیعت درآید و ثبات پیدا کند، نفس به مرتبه‌ای صعود می‌کند که از اطمینان و آرامش روحی خاصی برخوردار می‌گردد، که از آن به نفس «مطمئنّه» تعبیر می‌شود.

اگر بی‌اعتنایی به تشخیص عقل و حکم شرع، سبب شود که اصرار به گناه و خطا برای او عادی و طبیعی شود، وجدان اخلاقی یا نفس لوّامه حکم مُرده را پیدا می‌کند، آن وقت ممکن است هر گناه، ظلم و جنایتی را مرتکب شود و نه تنها نفس، او را ملامت نکند، بلکه از ارتکاب گناه و جنایت، لذت هم ببرد.

این که نفس انسان، لوّامه و سرزنش کننده از گناه باشد، مربوط به خود او است و اصل آن در همه یکسان است.

جهت آگاهی بیش‌تر به کتاب‌های زیر مراجعه کنید:

۱- به سوی او، محمدتقی مصباح یزدی؛

۲- روان‌شناسی شخصیت از دیدگاه اسلامی،

علی‌اصغر احمدی؛

۳- درس‌هایی از اخلاق اسلامی یا آداب سیر و

سلوک، حبیب‌الله طاهری؛

۵- نفس مطمئنّه، شهید آیه‌الله دستغیب(ره).

\* \* \*

● پی‌نوشت‌ها:

۱۲. بحارالانوار، ج ۴۹، ص ۱۱۷.
۱۳. اعراف (۷) آیه ۵۵.
۱۴. مکارم‌الاخلاق، ج ۲، ص ۷.
۱۵. کافی، ج ۴، ص ۲۷۰.
۱۶. عدة‌الداعی، ص ۱۳۵.
۱۷. کافی، ج ۴، ص ۲۴۲.
۱۸. همان، ص ۲۲۷.
۱۹. بحارالانوار، ج ۹۰، ص ۳۴۹.
۲۰. المیزان، ج ۲، ص ۲۸.
۲۱. مکارم‌الاخلاق، ج ۲، ص ۹۷.
۲۲. بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۳۴۱.
۲۳. همان، ج ۳۶، ص ۲۳۲.
۲۴. نهج‌البلاغه، نامه ۳۱.
۲۵. کافی، ج ۴، ص ۲۲۰.
۲۶. مکارم‌الاخلاق، ج ۲، ص ۱۱۱.
۲۷. تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۳۷۴.
۲۸. مجمع‌البیان، ج ۱-۲، ص ۱۷۳-۱۷۶.

۱. مرتضی مطهری، مجموعه آثار، ج ۱۹، ص ۴۳۶ و ۴۳۷.

۲. بحارالانوار، ج ۹۰، ص ۳۲۲.

۳. مکارم‌الاخلاق، ج ۲، ص ۲۰.

۴. سفینه‌البحار، ج ۱، ص ۴۴۶.

۵. اصول کافی، ج ۲، ص ۷.

۶. همان، ص ۳۰۹.

۷. همان، ج ۴، ص ۲۲۱.

۸. همان، ص ۲۲۲.

۹. همان، ص ۲۲۴.

۱۰. همان، ص ۲۲۵.

۱۱. همان، ص ۲۴۳.